

مشارکت و امنیت در کردستان

دکتر محمود توکلی

از جمله مناطقی از ایران که پس از انقلاب اسلامی دستخوش تحولات گوناگون و بحران‌های فراگیر اجتماعی و فرهنگی و سیاسی گردید، کردستان ایران است. اگر بخواهیم به بخشی فراگیر درباره درگیری‌ها و نزاع‌های خشونت‌بار کردستان بپردازیم، پیداست که به علت گستردگی و تنوع فراوان چیزی در این مقال به دست نمی‌آید. ولی آنچه به اختصار می‌توان گفت آن که به علت عدم بلوغ و تکامل احزاب و گروه‌های سیاسی و نبود فرهنگ گفت‌وگو و رقابت سالم و قانون، و نبودن رویه تشاهل و تسامح و عورثتنداری حزبی، محسوس بودن مرزهای رقابت حزبی و برخورد آن با منافع ملی و عدم تشخیص و رؤیت این مرزها توسط جمعیت‌ها و احزاب و گروه‌های سیاسی، از شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایجاد شده در دوران ۱۳۵۷ به درستی استفاده نشد. به جای کار و تلاش و رقابت سالم، به متهم کردن یکدیگر، همت و برجسب و تکفیر و تفسیق یکدیگر روی آوردیم و نتوانستیم از فرصت طلایی ایجاد شده که محصول ده‌ها سال مبارزه خونین با استبداد ستم شاهی بود به درستی استفاده نماییم. پس از درگیری‌های خشونت‌بار احزاب و گروه‌ها و جنگ مسلحانه در کردستان و رویارویی تمام عیار مرکز با گروه‌های اپوزسیون برانگیز، شاهد حکومت نظامیان و روحیه نظامی‌گری در کردستان بودیم و به نوبه تمام پست‌های مدیریتی و اجتماعی نیز توسط نظامیان و پسا مشاهمان فکری آنها اشغال و کلیه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی نیز تعطیل گردید. روشن است که در چنین فضای نه روشنفکر می‌ماند، نه تحصیل کرده و نه سرمایه و سرمایه‌دار و تمام عناصر رزقا و فعال یک نطقه از آنجا رخت برمی‌بندند که حاصل آن فقر فرهنگی و اجتماعی و سیاسی خواهد بود.

کردستان ایران عملاً تا سال‌های ۷۳ - ۷۴ چنین مشخصه‌ای را دارا بود. بعد از این سال‌ها تحولات اندکی در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی پدید می‌آمد. نیروهای تحصیل کرده و وفادار به ایران واحد، خواهان کار و فعالیت فرهنگی به‌طور مسالمت‌آمیز و در چهارچوب قانون اساسی شدند و بخشی از نیروهای مذهبی داخل نظام که در سطوح کارشناسی سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی مشغول بودند، در پی تغییرات اساسی و تجدیدنظرهایی در روابط فرهنگی و اجتماعی و سیاسی برآمدند.

تا سال ۱۳۷۴ هنوز استراتژی احزاب عمده کردستان ایران ایجاد خشونت‌های پراکنده و موردی بود. البته حزب افراطی و چپ‌گرای کومله که جایگاه اجتماعی چندان هم در کردستان ایران ندارد همچنان معتقد به مبارزه خشونت‌بار و قهرآمیز است، ولی حزب دموکرات کردستان ایران تغییران در نگرش‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خود به وجود آورده و استراتژی خود را از مبارزه قهرآمیز به کار فرهنگی و اجتماعی مسالمت‌آمیز تغییر داده است.

فضای کردستان از سال ۷۴ - ۷۵ تحت تأثیر چند عامل رو به ایجاد فضای مسالمت‌آمیز گذاشت؛ آن عوامل عبارتند از:

۱- رودر رویی احزاب کردستان عراق که در طی آن دو حزب عمده به کشتار وسیع یکدیگر دست زدند. این احزاب عبارتند از حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بازرگان و حزب اتحادیه میهنی کردستان عراق به رهبری جلال طالبان. تحت تأثیر این درگیری وسیع، چندین هزار نفر از مردم شهرهای مجاور مرزها از جمله مناطقی از سلیمانیه عراق به ایران گریخته و در حوازی شهرهای بانسه و مریوان ساکن می‌شدند (اواخر سال ۷۵). این درگیری‌ها که بر سر منافع حزبی و جناحی و اختلاف در مورد رهبری کردستان عراق ایجاد گردید، باعث شد تا بسیاری از روشنفکران و جوانان و تحصیل‌کردگان کرد ایران نسبت به تشکیل و ایجاد کردستان واحد دچار شک و تردید شوند و آرمان و ایده‌آل کردستان واحد دچار تزلزل اساسی گردد.

۲- تحت تأثیر همین وقایع عینی و مشکلات عهده‌ای که بر سر راه ایجاد کردستان واحد وجود داشت، حزب دموکرات کردستان ایران، مشی درگیری و ترور پراکنده را به کلی متوقف کرده و تنها فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی خود را از راه برنامه‌های رادئویی و اعزام بعضی از هواداران به مناطق کردستان ایران دنبال کرد و عملاً از سال ۷۵ به بعد، خط درگیری مسلحانه و ترور به نقطه صفر گرایش پیدا کرده است (تغییرات وسیعی در اندیشه روشنفکران، دانشجویمان و افشار دیگر صورت گرفته بود که این افکار در سال ۷۶ مجال ظهور و بروز یافتند).

۳- از سال ۷۵ به بعد فضای فرهنگی و سیاسی کشور به

تعدادی از نیروهای تحصیل کرده و علاقه‌مند، و به پست‌های مدیریتی استان برگزیده شدند و این نیز به نوعی در پر کردن شکاف ملت و دولت سر مناطق کردنشین بسیار مؤثر بود. در این زمینه دولت آقای خاتمی به بخشی از شعارها و وعده‌های انتخاباتی خود عمل کرده است.

صاحب‌نظران همچون آقای دکتر حسین عظیمی (اقتصاددان)، آقای دکتر پرویز پیران (جامعه‌شناس)، مرحوم محمدتقی جعفری (فیلسوف و اسلام‌شناس)، آقای دکتر محمد مهدی جعفری (مفسر فح‌البلاغه و فعال سیاسی) و دعوت از حجت‌الاسلام یوسفی اشکوری برای ابراد سخنران در مراسم بزرگداشت ۲۹ خرداد سالگرد شهادت دکتر علی شریعتی در شهرهای بیجار و قروه و ... توانسته بود در جهت گشایش فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی و جذب مردم تأثیر مثبتی داشته باشد.

۳- تعدادی از نیروهای تحصیل کرده و علاقه‌مند، و به پست‌های مدیریتی استان برگزیده شدند و این نیز به نوعی در پر کردن شکاف ملت و دولت سر مناطق کردنشین بسیار مؤثر بود. در این زمینه دولت آقای خاتمی به بخشی از شعارها و وعده‌های انتخاباتی خود عمل کرده است. انتخاب مدیران سازمان‌هایی چون راه و ترابری، ارشاد اسلامی، تربیت بدنی استان و بخشی از پست‌های مدیریتی استانداری کردستان و بالاخره مشاوران سیاسی، اجتماعی و فرهنگی استاندار از میان افسراد مورد اعتماد و تحصیل کرده کرد از مصادیق این عمل به وعده می‌باشد. این تغییرات توانسته است تا حدودی اعتماد عمومی را جلب نماید و به آرزوی نزدیکی کردها با دولت جمهوری اسلامی و نگرش "ایران برای همه ایرانیان" جامه عمل بپوشاند.

۴- بالاخره و در آخر می‌توان به انتخابات ششمین دوره نمایندگان مجلس شورای اسلامی اشاره کرد که در فضایی کاملاً آزاد و دموکراتیک در کردستان شکل گرفت و نمایندگان از جناح‌های مختلف فکری و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی انتخاب شده و به مجلس راه یافتند. پیداست که نمی‌توان این تغییرات را کامل و عمیق دانست.

حتی اخیراً تماس‌های متقابلی نیز با حزب دمکرات کردستان ایران برقرار است که آنها نیز در چهارچوب قانون اساسی و زیر نظر نظام جمهوری اسلامی به فعالیت پردازند و البته حزب دمکرات نیز ابراز علاقه کرده است، منتها با روشن شدن بعضی از تعاریف، حدود، جایگاه‌ها و غیره.

ترمیم اعتماد خدشه‌دار شده چندین ساله و شاید یکصد ساله گذشته و ایجاد و همگرایی و روحیه فعالیت و کنار و تلاش در چهارچوب قانون اساسی و شعار ایران برای همه ایرانیان، به تمرین بیشتر مشارکت در سال‌های سال می‌باشد.

امید است با افق‌های جدیدی که در کشور گشوده شده است و با مطرح شدن بحث‌هایی چون امنیت ملی، منافع ملی، پذیرش کلیه علایق و سلیقه‌ها در چهارچوب ایران اسلامی، بتوانیم کلیه نیروهای علاقه‌مند، دلسوز، روشنفکر و تحصیل کرده را جذب کنیم و به روند فرار سرمایه، نیروی انسان و دور باطل فقر، انزوا و شورش پایان دهیم و شاهد رشد و شکوفایی کلیه نقاط میهن عزیز ایران اسلامی باشیم.

تدریج تغییر کرد و در حوالی انتخابات ریاست جمهوری در سال ۷۶ تغییرات اساسی در سمت‌گیری افکار عمومی و مطبوعات و آزادی‌های مشروع سیاسی و اجتماعی صورت گرفت که به شدت در مناطق کردستان ایران نیز تأثیر خود را بر جای می‌گذاشت و روزنه امیدی را می‌گشود که به‌طور مسالمت‌آمیز و در چهارچوب قانون اساسی نیز می‌توان به فعالیت پرداخت و شاهد رشد و شکوفایی کردستان بود.

چنانچه بخواهیم وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کردستان ایران در دوران پس از دوم خرداد ۷۶ و تغییرات کیفی را که در منطقه به وجود آورده است مورد مطالعه قرار دهیم، می‌توانیم از دوم خرداد بعنوان نقطه عطفی نام ببریم که همگام با تغییرات اساسی در سراسر کشور کردستان ایران را نیز به شدت متأثر ساخته است. این تغییرات و تأثیرها را می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱- شکستن فضای انحصار و فرهنگ تک‌صدایی. پس از آن که در سال ۷۶ فرهنگ انحصاری و تک‌صدایی ضربات بسیار سختی را متحمل گردید، در کردستان نیز نوعی شور و جنبش اجتماعی برای ایجاد اصلاحات برپا گردید و فضای یأس و بدبینی و بی‌اعتمادی به مرکز تا حدودی به امید، فعالیت و تحرک اجتماعی میل نمود. پیداست که دولت برآمده از جنبش دوم خرداد نیز نوعی گرایش به مفاهیم با اقلیت‌های کرد پیدا کرده و خواستار آن است که فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی اهل سنت در چهارچوب قانون اساسی پذیرفته شود و مردم و روشنفکران نیز در قدرت سیاسی سهیم شوند. این اندیشه، هم در شعارهای انتخاباتی آقای رئیس‌جمهور عنوان شده بود و هم در سفری که آقای خاتمی قبل از آغاز انتخابات سال ۷۶ به سنندج و سقز داشت به مردم کرد وعده داده شده بود.

۲- ایجاد گشایش برای فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی. نقطه عطف این تغییرات را می‌توان تأسیس هفته‌نامه کردی - فارسی "سروان" دانست. این هفته‌نامه توسط عده‌ای از روشنفکران و تحصیل کرده‌های کرد که معتقد به ایران واحد بودند اداره و رهبری می‌شدند صاحب امتیاز آن سازمان همیاری‌های شهرداری کردستان بود و این هفته‌نامه توانست در اوایل دوران فعالیتش شور و جنبش اجتماعی را در سطح کردستان ایران گسترش داده و تعداد زیادی از دانشجویان، دانش‌آموزان و کارشناسان و مدیران دولتی را با خود همراه نماید.

برگزاری مجالس فرهنگی و هنری از جمله دعوت از محمدرضا شجریان برای اجرای موسیقی ایران در سنندج در تابستان ۷۷، انجم سخنران‌های علمی و فرهنگی و سیاسی که توسط هفته‌نامه سروان و انجمن پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی استان (زیر نظر اداره کل ارشاد اسلامی استان) صورت می‌گرفت، در همین راستا بود. دعوت از